

زمان ظهور ترکیه

کتاب «صد سال آینده» که حدود ۱۵ سال پیش منتشر شد، ظهور سه قدرت مهم را در چند دهه آینده پیش‌بینی کرد: ژاپن، لهستان و ترکیه. اقتصاد پایدار و رو به رشد ژاپن و تمرکز آن بر توسعه نظامی، رشدی مداوم، هر چند آرام، در قدرت آن را نشان می‌دهد. لهستان اکنون پنجمین اقتصاد بزرگ اروپا و کشور پیشرو در این قاره در توسعه نظامی است. با این حال، هم لهستان و هم ژاپن توسط قدرت‌های بزرگ محدود شده‌اند. ژاپن مجبور است با چین رقابت کند و لهستان مجبور است با روسیه که در پشت اوکراین قرار دارد، رقابت کند. اکنون زمان درخشش ترکیه است. این کشور ارتش و اقتصاد بزرگی دارد که اگر چه رشد کمی دارد، اما پتانسیلی دارد که کمتر کشور دیگری در منطقه می‌تواند داشته باشد. اما مهم‌تر از آن، ترکیه از یک فرصت ژئوپلیتیکی عظیم برخوردار است. با توجه به اینکه روسیه در اوکراین گرفتار شده، ایالات متحده به دنبال کاهش حضور جهانی خود است، ایران در سراسر منطقه متحمل ضررهایی شده است که به دلیل گذار قدرت در سیاست داخلی پیچیده شده است و اسرائیل هم از بحران‌های داخلی و خارجی رنج می‌برد. در چنین شرایطی ترکیه می‌تواند از این فرصت‌ها در هر جهتی که منافع اساسی دارد، بهره‌برداری کند. در برخی موارد، این اتفاق افتاده است. حتی قبل از حمله روسیه به اوکراین، ترکیه نقش مهمی در کمک به آذربایجان برای شکست ارمنستان در جنگ قره‌باغ کوهستانی در سال ۲۰۲۰ ایفا کرد. این امر منجر به تغییر تاریخی در موازنه قدرت در جناح شرقی ترکیه شد. تصرف قره‌باغ توسط باکو به ارمنستان و آذربایجان اجازه داده است تا از روسیه فاصله بگیرند و با ترکیه همسو شوند. انتظار می‌رود توافق صلح آذربایجان و ارمنستان به زودی امضا شود و این امر توسعه کریدور زنگزور، به عنوان یک شریان اقتصادی که از قفقاز جنوبی عبور می‌کند، توسط آنکارا را تسهیل خواهد کرد. همچنین این کریدور به ترکیه اجازه می‌دهد تا با منطقه ترانس خزر و مناطق مرزی آسیای مرکزی ارتباط برقرار کند. در همین حال، ترکیه بزرگترین برنده درگیری اسرائیل و ایران بوده است. تضعیف حزب‌الله و قابلیت‌های هشدار تهاجمی آن منجر به فروپاشی حکومت اسد شد. حملات بعدی اسرائیل علیه ایران آسیب‌های زیادی به تهران وارد کرد. ترکیه به سرعت از فرصت برای وارد کردن سوریه به حوزه نفوذ خود استفاده کرد و از یکی از گروه‌های نیابتی خود برای به دست گرفتن کنترل پایتخت در دمشق حمایت کرد. آنکارا همچنین روابط خود را با کشورهای بزرگ عربی مانند عربستان سعودی و امارات متحده عربی بهبود بخشیده است. آنکارا رسماً مشارکت مصر در برنامه جنگنده‌های رادارگریز (TF X KAAN) را تأیید کرد که گامی اساسی در همکاری‌های دفاعی دوجانبه است و شروع به افزایش نفوذ خود در لیبی کرده است تا قدرت خود را به سمت غرب در مدیترانه گسترش دهد. در شمال، قدرت‌های اروپایی در تلاشند تا با خروج ایالات متحده از تضمین‌های امنیتی ترانس اتلانتیک، یک معماری امنیتی جدید ایجاد کنند. در اینجا نیز ترکیه از این فرصت استفاده می‌کند. اول، همانطور که سفر دونالد تاسک، نخست‌وزیر لهستان، به آنکارا در ماه مارس نشان داد، در تلاش است تا روابط نزدیک‌تری با لهستان برقرار کند تا تلاش‌های مشترک برای ایجاد ثبات در اوکراین و بررسی گزینه‌های ترکیه در چارچوب‌های امنیتی پس از جنگ را هماهنگ کند. دوم، در حالی که اتحادیه اروپا و ناتو به طور فزاینده‌ای در حال تغییر هستند، آنکارا تلاش‌های خود را برای گسترش قدرت خود در بالکان تسریع می‌کند. بخش عمده‌ای از این امر به دلیل افول روسیه امکان‌پذیر است. افول روسیه، به‌ویژه پس از حمله به اوکراین، پیامدهایی برای جناح جنوبی آن دارد و ترکیه به‌طور منحصربه‌فردی قادر به بهره‌برداری از مزایای آن است. در سال‌های آینده، توانایی مسکو برای اعمال قدرت در حوزه دریای سیاه کاهش خواهد یافت. آنکارا پیش از این نقش دریایی خود را در دریای سیاه - به‌صورت یک‌جانبه و با هماهنگی ناتو - افزایش داده است. ترکیه همچنین خود را به‌عنوان رابط بین روسیه و اوکراین معرفی کرده است. به‌طور مشابه، ترکیه در حال افزایش تجارت، ارتباطات و روابط امنیتی با گرجستان، رومانی و بلغارستان است.



تصمیم هند برای خروج از پیمان آب‌های سند (IWT) با پاکستان، نشان‌دهنده‌ی تغییری بی‌سابقه و مهم در یکی از معدود چارچوب‌های پایدار همکاری‌های فرامرزی در جنوب آسیا است. این پیمان برای دهه‌ها یکی از معدود سازوکارهایی بود که هند و پاکستان داشتند و حتی در بدترین دوران روابط دوجانبه، اندکی همکاری و ارتباط را تضمین می‌کرد. این پیمان با وجود جنگ‌ها، بحران‌های جدی مرزی و تنش‌های دیپلماتیک طولانی‌مدت، پابرجا ماند. اما اکنون با تعلیق احتمالی روبه‌رو است و این امر خطراتی را به همراه دارد که فراتر از مدیریت دوجانبه آب و در حوزه امنیت منطقه‌ای تبعات گسترده دارد. شکست این پیمان می‌تواند به جنگی تمام‌عیار بین هند و پاکستان منجر شود.

از نظر ایالات متحده، که مشارکت‌های امنیتی و روابط تجاری با هند را حفظ می‌کند، به همکاری‌های ضدتروریسم با پاکستان ادامه می‌دهد و به دنبال مدیریت نفوذ رو به رشد چین در منطقه است، این نوع تنش به مثابه یک بشکه باروت است. درگیری بر سر آب، ثبات منطقه‌ای را تهدید می‌کند، اهداف ضدتروریسم را تضعیف می‌کند و زمینه را برای عوامل خارجی فراهم می‌کند؛ آن‌هم دقیقاً در زمانی که واشنگتن امیدوار است توازن منطقه‌ای مسئولانه را تشویق کند.

▼ تاریخچه معاهده آب بین هند و پاکستان

پاکستان مدت‌هاست که از این بیم دارد هند بتواند از جغرافیای بالای رودخانه برای مهار جریان آب به پاکستان استفاده کند. این ترس زمانی به واقعیت تبدیل شد که در جریان اولین جنگ هند و پاکستان بر سر کشمیر در سال‌های ۱۹۴۷-۱۹۴۸، هند جریان آب را از سرچشمه‌های شاخه‌های اصلی رودخانه سند شرقی به پاکستان متوقف کرد و در نتیجه یک میلیون هکتار از زمین‌های کشاورزی در پاکستان خشک شد. لیاقت علی خان، نخست‌وزیر وقت پاکستان، این اقدام «یکجانبه» را «خشونت بنیادی» توصیف کرد و آب را «جبهه جدیدی از تنش» اعلام کرد. این امر به پیدایش فقدان «همبستگی آبی» بین دو کشور منجر شد و منجر به تدوین پیشنهاد مدیریت فنی مشترک بانک جهانی برای حوضه آبریز سند شد.

معاهده سال ۱۹۶۰ حقوق و تعهدات هند و پاکستان را برای استفاده از آب در حوضه آبریز سند و شاخه‌های آن مشخص می‌کند. نزدیک به ۳۰۰ میلیون نفر در هند و پاکستان در حوضه آبریز رود سند زندگی می‌کنند که از هیمالیا در جنوب غربی تبت سرچشمه می‌گیرد و قبل از ورود به پنجاب و ریختن به دریای عرب، از کشمیر عبور می‌کند. شاخه‌های رودخانه در این حوضه، ۶۵ درصد از مساحت پاکستان و ۱۴ درصد از مساحت هند را پوشش می‌دهند. معاهده IWT به دهلی‌نو کنترل نامحدودی بر سه رودخانه شرقی - بیاس، راوی و سوتلج - می‌دهد؛ در حالی که اسلام‌آباد بر سه رودخانه غربی - چهل، چناب و سند - که از کشمیر تحت کنترل هند به پاکستان سرازیر می‌شوند، کنترل دارد.

▼ رودخانه سند و شاخه‌های آن

هند، به عنوان یک کشور ساحلی بالادست، می‌تواند از ۲۰ درصد از آب سه رودخانه غربی برای آبیاری، حمل و نقل و تولید برق استفاده کند. این توافق، تا حدودی روابط بین دو کشور را قابل پیش‌بینی کرد. این معاهده حتی در طول جنگ‌های ۱۹۶۵ و ۱۹۷۱ و درگیری کارگیل در سال ۱۹۹۹ نیز پابرجا ماند؛ دقیقاً به این دلیل که بستری غیرسیاسی برای کشورها جهت برقراری صلح فراهم کرد.

معاهده آب سند یکی از موفق‌ترین معاهدات تقسیم آب و اقدامی برای ایجاد اعتماد بین دو دشمن بوده است که درگیر احساسات مذهبی عمیق هستند. موفقیت آن به کمیسوین سند، یک مکانیسم حل اختلاف داخلی، نسبت داده شده است که به دادگاه بین‌المللی داوری یا هر متخصص بی‌طرفی که توسط بانک جهانی منصوب می‌شود، اجازه می‌دهد اختلافات ناشی از جلسات سالانه بین دو کشور را حل و فصل کند.

▼ پیامدهای حمله ۲۲ آوریل

در ۲۲ آوریل، افراد مسلح ناشناس ۲۶ گردشگر را در پاهالگام در کشمیر تحت کنترل دولت هند کشتند. کشمیر، که هند و پاکستان به‌طور کامل ادعای مالکیت آن را دارند و هر یک بخشی از آن را اداره می‌کنند، از زمان تقسیم شبه‌قاره هند توسط امپراتوری بریتانیا در سال ۱۹۴۷، نقطه تنش بین دو کشور بوده است. هند، پاکستان را مسئول این حمله دانست و این کشور را به حمایت از تروریسم فرامرزی متهم کرد و مشارکت خود را در معاهده IWT «تا زمانی که پاکستان به طور معتبر و غیرقابل برگشت از حمایت خود از تروریسم فرامرزی دست نکشد» به حالت تعلیق درآورد.

پاکستان هرگونه دخالتی را در این رخداد رد کرد و خواستار تحقیقات مستقل در مورد این حمله شد. این کشور هشدار داد که هرگونه تلاشی برای متوقف کردن یا منحرف کردن جریان آب طبق این معاهده، که آب کافی برای ۸۰ درصد از مزارع آن را تضمین می‌کند، به عنوان یک اقدام جنگی در نظر خواهد گرفت.

بالاول بوتو زرداری، یکی از بهران دولت انتقالی حاکم در پاکستان، یک قدم فراتر رفته و به هند هشدار داده است: «رودخانه سند متعلق به ماست و متعلق به ما خواهد ماند، با آب ما از آن عبور خواهد کرد، یا خون [هند] از آن عبور خواهد کرد.» دادگاه دائمی داوری در لاهه، که در حال رسیدگی به اعتراضات پاکستان به برخی از عناصر طراحی پروژه‌های برق آبی رودخانه‌ای هند در کشمیر تحت کنترل هند است، از هر دو کشور خواست تا اظهارنامه‌های کتبی خود را ارائه دهند. در حالی که پاکستان اظهارنامه خود را برای ادامه همکاری با IWT ارائه کرد، هند پاسخی نداد.



عکس: Gettyimages

جنگ دو قدرت

بررسی تبعات خطرناک فروپاش

جدایی طلبان کشمیری مجازات کند. در دولت مودی، فریادهای جنگ برای به دست گرفتن کنترل کشمیر تحت کنترل پاکستان افزایش یافته است.

در ۲۶ فوریه ۲۰۱۹، هند برای اولین بار از زمان جنگ هند و پاکستان در سال ۱۹۷۱، حملات نظامی را در خاک پاکستان آغاز کرد و یک مجتمع آموزشی شبه‌نظامیان را در بالاکوت در استان خیبر پختونخوا پاکستان هدف قرار داد. روز بعد، پاکستان با حملات هوایی در نزدیکی تأسیسات نظامی هند در کشمیر تحت کنترل هند تلاقی کرد که منجر به اسارت یک خلبان نیروی هوایی هند پس از سرنگونی هواپیمای میگ-۲۱ او توسط پاکستان شد. در همان روز، شش مقام دیگر نیروی هوایی هند و یک غیرنظامی در پی سرنگونی بالگردشان توسط آتش خودی پس از آنکه به اشتباه به عنوان پاکستانی شناسایی شد، کشته شدند. برای خنثی کردن بحران، دولت عمران خان، نخست‌وزیر وقت، دو روز بعد خلبان اسیر هندی را آزاد کرد.

مودی بارها خواستار الحاق کشمیر تحت کنترل پاکستان شده است، و رهبران حزب او به دنبال رأی برای تقویت عزم دولت برای دستیابی به این هدف بوده‌اند. در ۲۲ فوریه ۱۹۹۴، پارلمان هند به اتفاق آرا قطعنامه‌ای را تصویب کرد که در آن کشمیر تحت کنترل پاکستان بخش جدایی‌ناپذیر هند اعلام شده و از پاکستان خواسته شده بود که به «اشغال غیرقانونی و اجباری» خود پایان دهد.

استفاده از آب به عنوان اهرم فشار در این استراتژی جای می‌گیرد. مودی، برای اولین بار، در سال ۲۰۱۶ پس از حمله شبه‌نظامیان جدایی طلب کشمیری به یک مقر تیپ ارتش هند در شهر اورى در شمال غربی هند که منجر به کشته شدن ۱۹ سرباز و زخمی شدن ده‌ها نفر شد، به استفاده از معاهده آب‌های بین ایالتی به عنوان سلاحی علیه پاکستان اشاره کرد. مودی به هیتنی از مقامات معاهده آب‌های بین ایالتی گفت که «خون و آب نمی‌توانند با هم جریان داشته باشند.» از آن زمان، هند کار بر روی چندین پروژه برق آبی مانند کیشان-گانگا، پاکال دول و سایر پروژه‌ها را برای بهره‌برداری کامل از رودخانه‌های غربی و جلوگیری از ورود آب اضافی به پاکستان تسریع کرده است. در حالی که هند ادعا می‌کند این پروژه‌ها با هدف تبدیل کشمیر تحت کنترل هند به یک صادرکننده خالص انرژی انجام می‌شود، منتقدان می‌گویند هند از آب به صورت استراتژیک برای مدیریت مرزها و ادغام منطقه مورد مناقشه با بقیه کشور استفاده می‌کند.

اگر چه هند ممکن است از نظر فیزیکی قادر به قطع آب پاکستان در طول یک شب نباشد، اما همین تصور که می‌تواند این کار را انجام دهد، برای ایجاد وحشت، تعمیق بی‌اعتمادی و تقویت گروه‌های شبه‌نظامی که سیاست‌های آبی هند را به عنوان تجاوز معرفی می‌کنند، کافی است.

این امر، بُعدی ناپایدار به مناقشه هند و پاکستان بر سر کشمیر

در ۲۷ ژوئن، دادگاه دائمی داوری حکم داد که صرف‌نظر از اینکه موضع هند چگونه طبق قوانین بین‌المللی توصیف یا توجیه می‌شود، با اقدام یکجانبه هند برای تعلیق روند دادرسی موافق نیست. دادگاه حکم داد که این معاهده هیچ بندی برای «توقف» یا «تعلیق» یکجانبه ندارد و تا زمانی که هند و پاکستان به‌طور متقابل برای فسخ آن توافق کنند، همچنان به قوت خود باقی است.

هند این حکم را رد کرد و گفت که این حکم با «تقض آشکار معاهده» توسط آنچه که آن را «دادگاه داوری غیرقانونی» تشکیل شده تحت معاهده ۱۹۶۰ می‌نامد، صادر شده است. وزارت امور خارجه هند اعلام کرد: «در نتیجه، هرگونه رسیدگی در این دادگاه و هرگونه رأی یا تصمیمی که توسط آن گرفته شود نیز به همین دلیل غیرقانونی و فی‌نفسه باطل است.» هند گاهی اوقات در پیچه‌های س را در کشمیر تحت کنترل هند می‌بندد و مانع از ورود آب به پاکستان می‌شود، و کشاورزان این منطقه برای کشت برنج و سایر محصولات در طول فصل تابستان به آب متکی هستند.

▼ پیامدها برای پاکستان

تعلیق IWT عواقب گسترده‌ای برای پاکستان خواهد داشت؛ کشوری که به شدت به سیستم رودخانه سند برای آبیاری ۸۰٪ از ۱۶ میلیون هکتار (۳۹/۵ میلیون جریب) زمین کشاورزی و ۹۳٪ از کل مصرف آب خود وابسته به این حوضه آبریز است. این حوضه آبریز آب مورد نیاز ۲۴۰ میلیون نفر را تأمین می‌کند و یک‌چهارم تولید ناخالص داخلی پاکستان از طریق محصولاتی مانند گندم، برنج و پنبه تأمین می‌شود. با توجه به اینکه سدهای مانگلا و تاربلا پاکستان تنها ۱۰٪ ظرفیت ذخیره‌سازی زنده (۱۴/۴ میلیون جریب-فوت) دارند، هرگونه اختلال در جریان آب می‌تواند باعث خسارات فاجعه‌بار کشاورزی، کمبود غذا، جیره‌بندی آب در شهرهای بزرگ و خاموشی‌های پی در پی شود. صنایعی مانند تولید نساجی و کود می‌توانند فلج شوند. این شوک‌ها به شدت بر اقتصاد شکننده پاکستان تأثیر می‌گذارد و آن را به سمت بحران‌های مالی و ارزی سوق می‌دهد. این پیمان برای پاکستان تا حدودی ثبات ایجاد کرد و خروج هند اکنون در را به سوی عدم قطعیت، ترس و پیامدهای بالقوه ویرانگر برای کشاورزی و امنیت غذایی باز می‌کند.

تصمیم هند نشان‌دهنده تغییر عمده‌ای در سیاست این کشور در قبال همسایه هسته‌ای خود است. هدف این کشور استفاده از آب به عنوان سلاحی استراتژیک برای مجازات پاکستان به دلیل حمایت از جدایی طلبان کشمیری و پناه دادن به شبه‌نظامیانی است که مسئول انجام حملات در کشمیر تحت کنترل هند هستند.

دولت راست‌گرای هند، به رهبری نخست‌وزیر نارندرا مودی، مدت‌هاست که قول داده است پاکستان را به دلیل حمایت از

پاکستان مدت‌هاست

که از این بیم دارد

هند بتواند از جغرافیای

بالای رودخانه برای

مهار جریان آب به

پاکستان استفاده کند.

این ترس زمانی به

واقعیت تبدیل شد که

در جریان اولین جنگ

هند و پاکستان بر سر

کشمیر در سال‌های

۱۹۴۷-۱۹۴۸،

هند جریان آب را

از سرچشمه‌های

شاخه‌های اصلی

رودخانه سند شرقی به

پاکستان متوقف کرد

و در نتیجه یک میلیون

هکتار از زمین‌های

کشاورزی در پاکستان

خشک شد